



وزارت معارف

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی

و تألیف کتب درسی

دری

صنف نهم

برای مکاتب پشتو زبان



سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ . ش.



وزارت معارف

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی

و تألیف کتب درسی

دری

صنف نهم

برای مکاتب پشتو زبان

کتابهای درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن در بازار جداً ممنوع است. با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ. ش.

کمیته تجدیدنظر

کمیته محتوا و لسان:

- غلام سرور بغلانی عضو علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- عبدالرزاق کوهستانی عضو علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری.
- شکیلا شمس هاشمی آمر دیپارتمنت زبان و ادبیات دری
- محمد نسیم فقیری متخصص زبان و ادبیات دیپارتمنت دری.
- عبدالکبیر معلم لیسه حکیم ناصر خسرو بلخی.
- دکتور شفیقه یارقین مشاور و رئیس امور تربیوی وزارت معارف.
- پوهنوال حمیدالله ویدا عضو شورای علمی وزارت معارف.

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دکتور محمد یوسف نیازی مشاور وزارت معارف.
- محمد آصف ننگ رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.
- فرازالدین عضو دیپارتمنت علوم دینی.

کمیته نظارت

- دکتور عبدالغفور غزنوی معین انکشاف نصاب تعلیمی، مرکز ساینس و نشرات وزارت معارف
رئیس کمیته
- محمد صدیق پتمن معین تدریسی وزارت معارف
عضو
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی عضو

کمپوز و دبیران:

- وزیر گل صدیقی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام

خداوند جل جلاله را سپاسگزاریم که در نتیجه ارادهٔ راسخ و قربانی های ملت مجاهد ما و مساعی جمیله سازمان ملل متحد و کشورهای بشردوست جهان، صلح سراسری و نظام سیاسی مشروع در کشور استقرار یافت و به مصیبت چندین سالهٔ ناشی از جنگ پایان داد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان و در رأس جلالتماب حامد کرزی از بدو تاسیس نظام مردمی حاکم، به منظور نیل به اهداف والای ملی، طرح پروگرام های نوینی را در تمام عرصه های باز سازی و انکشافی کشور در دستور کار خویش قرار داده است. با سپاس بیکران از حمایت بیدریغ و رهنمودهای دایمانهٔ جلالتماب شان تلاشهای پیگیر و اقدامات موثری در عرصهٔ تعلیم و تربیه و در راستای نوسازی و شگوفایی معارف و تربیت نسل جوان به مثابهٔ افراد دارای روحیهٔ اسلامی، وحدت ملی، انسانهای متمدن و مسلمانان واقعی و نیرومند در مرحلهٔ تطبیق قرار دارد، که خیلی ها ارزنده و حایز اهمیت است. وزارت معارف در راستای طرحها و ابتکاراتی که در جهت بازسازی معارف افغانستان روی دست دارد، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی را موظف گردانید، تا از یک طرف مشکل کمبود و نبود کتب درسی مکاتب را رفع نماید و از جانب دیگر در روشنی پالیسی و اهداف علمی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به تهیه و تدوین نصاب تعلیمی واحد که جوابگوی نیازمندیهای حال و آیندهٔ کشور باشد، بپردازد.

هدف نصاب تعلیمی جدید، تربیت و تعلیم اسلامی و علمی اولاد وطن که با مقتضیات جامعهٔ ما و معیارهای بین المللی موافق بوده و در راستای محتوای آن تفکر سالم را در اندیشهٔ اطفال، نوجوانان و جوانان دانش آموز تقویت نماید و آنان را با دست آوردهای دانش نوین آشنا سازند، می باشد. جوانان کشور ما باید مسلمانان متدین، وطندوست، مردم دوست، مجهز با زبور علم و کمال بار آیند و با انکشاف علوم و پیشرفت تمدن معاصر آشنایی حاصل نموده، با عزم راسخ از تحولات جدید و مثبتی که به میان آمده، مستفید گردند. آنها به منظور ساختن افغانستان نوین و ایجاد جامعهٔ مرفه، علاوه بر تحولات ساینس و تکنالوژی، بایست از اساسات علوم انسانی، حقوق بشر، صلح، وحدت ملی و همزیستی مسالمت آمیز آگاه بوده، وطندوستی، حفظ محیط سالم زیست، مبارزه با جهل و تولید و قاچاق مواد مخدر را در اولویت های امور تعلیمی و آموزشی خود قرار دهند.

از معلمان صدیق، دلسوز و با تجربه ما که در تطبیق نصاب تعلیمی جدید، مسؤولیت عظیم آموزش و پرورش اولاد کشور را به عهده دارند و از سایر شخصیت های علمی، فرهنگی و دانشمندان عرصه معارف کشور تمنا داریم، با ارائه نظریات و پیشنهادات سازندهٔ خویش مؤلفان ما را در تألیف و بهبود کتب درسی همکاری نمایند.

همچنان از کشورها و سازمان های محترم تمویل کننده (دانیدا، یونیسف، یونیسکو، بانک جهانی و ادارهٔ انکشاف بین المللی ایالات متحدهٔ امریکا) که در چاپ کتب، وزارت معارف را همکاری مادی نموده اند، سپاسگزار هستیم.

امیدواریم تمام شاگردان عزیز، معلمان گرامی، مادران و پدران محترم در حفظ کتابهای درسی از هیچگونه کمک و همکاری دریغ نفرمایند.

فاروق وردک

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۴	صلح و تفاهم	۱	حمد
۳۶	ورزش	۲	نعت شریف
۳۸	زن و عصر حاضر	۴	خداشناسی
۳۷	تروریزم	۶	چند پند از لقمان حکیم
۳۸	برتری در چیست؟	۸	یکی از خطبه های فاروق اعظم <small>رضی الله عنه</small>
۴۰	کشتی	۹	حکایت
۴۱	تلفون	۱۰	شرکت ها
۴۲	چیستانها	۱۱	خطاب به شاگردان معارف
۴۲	میوه های تازه را پیش از خوردن ...	۱۳	سعدی شیرازی
۴۳	راستی	۱۴	حافظ و خشت مال
۴۴	صبر و پایداری	۱۵	خواجه عبدالله انصاری <small>رحمته الله</small>
۴۶	ترانه استقلال	۱۶	حکایت
۴۷	سنگ پشت و عقاب	۱۸	چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم
۴۸	گریستن افلاطون از ستایش نادان	۲۰	نصیحت
۵۰	مادر	۲۱	مطالعه
۵۱	مادر (نظم)	۲۳	دستور زبان
۵۲	علامت گذاری	۲۶	عدالت حضرت عمر <small>رضی الله عنه</small>
۵۴	مال خیانت	۲۷	کشف مکروب
۵۵	نتیجه بی اعتنایی	۲۸	حکایت
۵۶	زراعت	۳۰	زنبور عسل میگوید
۵۷	پایان سال تعلیمی	۳۲	لطیفه
		۳۳	وجیزه ها (گفته های سودمند)

حمد

به نام جهان دار جان آفرین
خداوند بخشنده دستگیر
عزیزی که هرگز درش سر بتافت^۱
سر پادشاهان گردن فراز
نه گردنکشان را بگیرد به فور
وگرخشم گیرد به کردار زشت
وگر با پدر جنگ جوید کسی
وگر خویش راضی نباشد ز خویش
اگر بنده چابک نباشد به کار
وگر بر رفیقان نباشد شفیق
وگر ترک خدمت کند لشکری
ولیکن خداوند بالا و پست

حکیم سخن بر زبان آفرین
کریم خطا بخش و پوزش پذیر
به هر درکه شد هیچ عزت نیافت
به درگاه او بر زمین نیاز
نه عذراوران را براند به جور
چو باز آمدی ماجرا درنوشت
پدر بیگمان خشم گیرد بسی
چو بیگانه گانش براند ز پیش
عزیزش ندارد خداوندگار
به فرسنگ بگریزد از وی رفیق
شود شاه لشکرکش از وی بری
به عصیان در رزق بر کس نبست
سعدی

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
دانا	حکیم
عذر	پوزش
واقعہ، حادثہ	ماجرا
صاحب، آمر، کارفرما	خداوندگار
مهربان	شفیق
پاک	بری
غلام، چاکر، نوکر	بنده

^۱ - بوستان سعدی، چاپخانه حیدری، از روی نسخه محمد علی فروغی، ص ۲۱.

نعت شریف

آنکه عالم یافت از نورش صفا
آخر آمد بود فخر الاولین
انبیاء و اولیاء محتاج او
مسجد او شد همه روی زمین
بروی و بر آل پاک طاهرین
از سر انگشت او شق شد قمر
بهر آن گشتند در عالم ولی
وآن دگر باب مدینه علم بود
عم پاکش حمزه و عباس بود
بر رسول و آل واصحابش تمام

بعد ازین گوئیم نعت مصطفی
سید الکونین و ختم المرسلین
آنکه آمد نه فلک معراج او
شد وجودش رحمة للعالمین
صد هزاران رحمت جان آفرین
آنکه شد یارش ابوبکر و عمر
صاحبش بودند عثمان و علی
آن یکی کان حیا و حلم بود
آن رسول الله که خیرالناس بود
هر دم از ماصد درود و صد سلام

شیخ فرید الدین عطار

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
وصف کردن و صفت کردن	نعت
برگزیده شده یکی از القاب محمد ﷺ	مصطفی
سرور، آقا و بزرگ	سید
هر دو دنیا (دنیا و آخرت)	کونین
آخرین پیغمبران	ختم المرسلین
نازیدن و بالیدن	فخر
بالارفتن	معراج
بنده‌گان مقرب درگاه خداوندی ﷻ	اولیاء
رحمت بر عالمیان	رحمة للعالمین
خاندان	آل
پاکان	طاهرین
یار، هم صحبت	صاحب
صبر، برده باری	حلم
دروازه شهر	باب مدینه
بهترین مردم	خیر الناس
کاکا	عم
دعا	درود

کارخانه گی:

شاگردان پنج سطر در مورد سیرت پیغمبر ﷺ بنویسند.

خداشناسی

خداوند بزرگ ﷻ برای انسان چشم و عقل داده است تا ببیند، بسنجد، نیک و بد را از هم فرق کند.

در بین چشم و دماغ (منبع عقل) ارتباطی موجود است. انسان وقتی اشیاء را با چشم خود میبیند، تصویری از آنها در چشمش پیدا میگردد. در این حالت اعصاب چشم بدون درنگ موضوع را به دماغ انتقال میدهد و دماغ با فعالیت گسترده در چگونه‌گی و کیفیت شی فکر و کنجکاوی میکند. بالاخره انسان به واسطه عقل چیزی را که چشم دیده است میفهمد که چه شکل دارد و دارای چه رنگ است و به چه کاری از آن استفاده میشود. عقل سالم به پیدایش و خالق آن نیز فکر میکند و خداوند ﷻ را میشناسد. پس هرانسان نظر به این عقل بزرگ که خداوند ﷻ برایش ارزانی نموده، باید در پیدایش خود و در پیدایش کاینات از قدرت عقل خود کار بگیرد؛ فکر کند؛ خداوند ﷻ را بشناسد و ثنا گوید.

اول ببینید که انسان چند عضو دارد؛ هر یک کدام وظیفه را انجام میدهد و خالق آنها کیست؟ بعد از آن جهان را مشاهده کنید و ببینید که با آن عظمت و بزرگی چطور پیدا شده است؛ آفتاب، مهتاب، ستاره‌های درخشان، زمین، آب، باد، باران و انواع میوه‌ها و همه اشیایی را که به دور و پیش خود میبینید، چگونه ایجاد گردیده اند و خالق آنها کیست؟ پس به این وسیله درک میکنید که خالق همه اشیاء خداوند ﷻ است.

حضرت خداوند ﷻ بنده‌گان خود را در بسیاری از آیات قرآن کریم فرمان میدهد که در مورد خود و خلقت جهان فکر کنند، آثار و علامات قدرتهای اوتعالی را مشاهده نمایند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
صورت	تصویر
توقف و ایستادن	درنگ
نقل دادن	انتقال
کار و عمل	فعالیت
صحت‌مند	سالم
توانایی	استعداد
فهمیدن و دریافتن	درک

سپارش:

علاوه بر قدرتهای خداوند ﷻ که در این درس ذکر شد، شاگردان نیز فکر کنند و دیگر آثار و قدرتهای خداوند ﷻ را به زبان خود بیان نمایند.

چند پند از لقمان حکیم

- ۱- خدای عز و جل را بشناس.
- ۲- هر چه از پند و نصیحت گویی، نخست خود به آن عمل کن.
- ۳- سخن به اندازه خویش بگویی.
- ۴- قدر مردمان را بدان.
- ۵- دوست زیرک و دانا بگزین.
- ۶- بر عهدشکنان و دروغ‌گویان اعتماد مکن.
- ۷- کار امروز را به فردا میفگن.
- ۸- حاجتمندان را ناامید مکن.
- ۹- در حالت غضب سخن فهمیده گوی.
- ۱۰- از بزرگان در راه پیش مرو.
- ۱۱- از جنگ و فتنه گریزان باش.
- ۱۲- مرده را به بدی یاد مکن که سود ندارد.
- ۱۳- کارها را با دانش و تدبیر اجرا کن.
- ۱۴- در همه کار میانه رو باش.
- ۱۵- صفات خود و اهل خود را پیش کسی مگویی.

اقتباس از صد پند سودمند لقمان حکیم

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نصیحت	پند
اول	نخست
اختیار کن	بگزین
قهر	غضب
صفت و تعریف کردن	ثنا

کارخانه گی:

- ۱- از پندهای لقمان حکیم شماره ۱-۳-۵-۱۰ را حفظ نمایید.
- ۲- شاگردان پند های لقمان حکیم را در کتابچه های خود بنویسند.

یکی از خطبه های فاروق اعظم رضی الله عنه به مأمورینش

آگاه باشید! من شما را امیر سختگیر مقرر نکرده ام؛ بلکه امام هدایت مقرر کرده ام که مردم شما را پیروی کنند. شما باید که حقوق مردم را ادا کنید و آنها را الت و کوب نکنید که ذلیل میشوند تعریف بیجا هم نکنید که در مغالطه مبتلا نشوید و درهای خود را به روی دادخواهان مبندید که زبردستان آنها را نخورند. خود را در هیچ امر بر آنها ترجیح ندهید که در این صورت بر آنها جفا روا داشتن است.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
پند، نصیحت، وعظ و خطابه	خطبه
فرق کننده	فاروق
بزرگ	اعظم
پیشوا	امام
به غلط انداختن	مغالطه
گرفتار	مبتلا
برتری دادن	ترجیح
ظلم و ستم	جفا

حکایت

آورده اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی صیدی کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا رفت تا نمک آرد؛ نوشیروان گفت: ((نمک به قیمت بستان؛ تا رسمی نشود و ده خراب نگردد)). گفتند: ازین قدر چه خلل زاید؟ گفت: ((بنیاد ظلم در جهان اول اندک بوده، هر که آمده، بر وی مزید کرده تا بدین غایت رسید.))

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی
برآورند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ
گلستان سعدی

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
قریه	روستا
افزونی	مزید
بگیر	بستان
تخم	بیضه
فساد، نقصان، رخنه	خلل
پیرو	رعیت

سپارش: نتیجه حکایت فوق را شاگردان در کتابچه های شان بنویسند.

شرکت‌ها

به وسیلهٔ اصول شراکت امروز، یک شخص اگر تاجر و صنعتکار نیست، ولی کم یا زیاد اندوخته دارد، میتواند آن را از ضایع شدن و مصرف بیجا حفاظت نموده، بر علاوه، منفعت سرشاری هم از آن بردارد و آن دارایی کوچک را در کارهای مهم شامل سازد. اگر شخصی تاجر، صنعتکار و یا زمین‌دار است، به وسیلهٔ شراکت میتواند قوهٔ اکتساب و فایدهٔ پیشه و دارایی خود را خیلی بیشتر بسازد. این امر به طور عملی و علمی ثابت شده است که در شرکتها قوهٔ اکتساب سرمایه خیلی بیشتر از آن میشود که به صورت انفرادی و جدا، جدا به کار انداخته شود. این ضرب المثل عامیانه را که (دولت طرف دولت می‌رود) هر کس شنیده باشد، حقیقت است.

مگر این رجوع دولت به طرف دولت یک بازی بخت و طالع نبوده؛ بلکه یک سبب علمی و اقتصادی دارد که بهترین جای ثبوت و ظهور آن شرکتهاست، زیرا سرمایه و پول موقعیکه به کار می‌افتد، یک قوهٔ جلب منفعت پیدا می‌کند و هر قدر زیاد شود، قوهٔ جلب منفعت آن به یک نسبت متزاید ترقی میکند.

شرکتها اموال وطنی را به بازارهای اصلی به فروش رسانیده، مواد لازمهٔ خارجی را از منابع اصلی آن به صورت ارزان و آسان وارد میتوانند. بعضی کارهای پر منفعت برای آبادی مملکت و رفاه عامه لازم است، که باید به اصول تجارتهی اجراء شود. تجار انفرادی به اجرای این نوع امور اقدام کرده نمی‌توانند. سرمایه‌هاییکه در شرکتها گرد می‌آید، برای اجرای این قبیل کارها قدرت و توانایی ایجاد میکنند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
حاصل کردن و به دست آوردن	اکتساب
زیاد شونده	متزاید
جمع منبع، جاهای برآمدن	منابع
آرامی	رفاه

خطاب به شاگردان معارف

ای گل نورستهٔ آمال ما مهر درخشندهٔ اقبال ما
زنده به تو آتیه و حال ما بسته به تو عظمت و اجلال ما
چشم وطن سوی تو امیدوار
شوکت این قوم به تو استوار
هست وطن منتظر کارتو مطمئن از فکرت بیدار تو
چشم به راه دل هشیارتو دل نگران تو و آثار تو
قوم به اعمال تو دارد نگاه
قلب وطن از تو کند تکیه گاه
ما به امیدی که تو دانا شوی مرد هنرپیشهٔ فردا شوی
بهر وطن دست توانا شوی صف شکن فرقهٔ اعدا شوی
زنده کنی رونق پیشین ما
تازه کنی عظمت دیرین ما
بازکشی نام به نام آوری زنده کنی طنطنهٔ سروری
بازکنی تازه ز نیک اختری دورهٔ احمد شهی و اکبری
برشکنی گردن ایام را
رام کنی توسن خود کام را
قوت دل‌های مسلمان تویی عظمت آیندهٔ افغان تویی
زنده کن نام نیاکان تویی روشنی چشم عزیزان تویی
ما که گذشتیم، وطن آن تست
کشور ما خطهٔ فرمان تست

جان من این ملک بود جای تو خانه آسایش آبای تو
 می برد این قوم تمنای تو آرزوی دست توانای تو
 از تو دریغ است که غافل شوی
 شاخه بی سایه و حاصل شوی

استاد خلیلی

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
جمع امل به معنی آرزوها و امیدها	آمال
آینده	آتیه
بزرگ، بزرگواری	جلال
جمع عمل، کارها	اعمال
جمع عدو یعنی دشمنان	اعدا
ستاره، طالع و بخت	اختر
فر، شکوه، بزرگی، دبدبه	طنطنه
کنایه از جهان است	توسن خودکام

سپارش: استاد محترم، شعر را بالای شاگردان تکرار نموده، در ضمن پرسشهای شفاهی به عمل آرد تا قوه افهام و تفهیم شان بهبود یابد.

سعدی شیرازی

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی از سخنوران نامدار قرن هفتم هجری است. او تحصیلات خود را در نظامیه بغداد به پایان رسانیده و پس از اندوختن دانش و تجربه به شیراز باز گشته است. سعدی، بوستان را در سال ۶۵۵ ه.ق. به نظم کشیده، یکسال بعد کتاب گلستان را که مشتمل بر حکایات شیرین و دلپذیر است به رشته تحریر آورده است.

نمونه کلام سعدی

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد
"میازار موری که دانه کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است"
مزن بر سر ناتوان دست زور
که روزی در افتی به پایش چو مور
گرفتم ز تو ناتوان تر بسیست
تواناتر از تو هم آخر کیست
خدا را بر آن بنده بخشایش است
که خلق از وجودش در آسایش است

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
پاک سرشت	پاکزاد
خاک	تربت
ضعیف	ناتوان
آرامی	آسایش

حافظ و خشتمال

دهکدهٔ دور افتاده و کوچکی بود، خشتمالی در آن زنده‌گی داشت. خشتمال به کار خود بی نهایت علاقه مند بود. روزانه زیاد خشت می‌مالید و شبانه وقت را به بسیار خوشی با فرزندانش سپری مینمود. گویند: او روزی در اثنای خشتمالی شعرهایی میخواند. نظرش را مردی نورانی به خود جلب کرد، که خشت‌هایش را پامال میکرد. او به بسیار عصبانیت فریاد کشید و گفت: چرا خشت‌هایم را که با آبلهٔ دست تهیه شده است، میشکنی؟ آن شخص به جوابش بی‌صبرانه گفت: تو چرا اشعار مرا، که با خون دل سروده شده است، شکسته میخوانی؟

سپارش: مفهوم حکایت فوق به شاگردان ارائه گردد.

خواجه عبدالله انصاری رحمة الله عليه

خواجه عبدالله انصاری هروی ۳۹۶ - ۴۸۱ هـ.ق. از بزرگان عرفان است. وی مذهب حنبلی داشته و با اکثر اکابر تصوف محشور بود. آثار خود را به نثر مسجع نوشته است. این کتابها را خود املاء می‌کرد که از آثار ارزشمند در تصوف به شمار می‌آید.

نمونه نثر خواجه عبدالله انصاری:

ای عزیز! در رعایت دلها کوش و عیب کسان می‌پوش و دین به دنیا مفروش. بدانکه خدای تعالی در ظاهر کعبه بنا کرده که از سنگ و گل است و در باطن کعبه ساخته که از جان و دل است. آن کعبه، ساخته ابراهیم خلیل است و این کعبه بنا کرده رب جلیل، آن کعبه حجاز است و این کعبه راز است؛ آنجا چاه زمزم است، اینجا آه دمام؛ آنجا مروه و عرفات است و اینجا محل نور ذات.

حضرت محمد مصطفی ﷺ آن کعبه را از بتان پاک کرد، تو این کعبه را از اصنام، هوا و هوس پاک گردان.

سپارش:

استاد محترم هر جمله نثر فوق را که صیغه انسان دوستی دارد به شاگردان تشریح نماید.

حکایت

دید یک شب به خواب عبدالله
پدر خویش عمر را ناگاه
گفت: کای میر عادل خوشخوی
حال خود با من این زمان برگوی
با تو ایزد چه کرد برگوی حال
بعد از این مدت دوازده سال
گفت: از آنروزگار تا امروز
در حسابم، کنون شدم پیروز
کار من صعب بود با غم و درد
عاقبت عفو کرد و رحمت کرد
گوسفندی ضعیف در بغداد
رفت بر پل و ناگهان بفتاد
گفت: انصاف من بده به تمام
که تو بودی امیر بر اسلام
تا به امروز من دوازده سال
بوده ام مانده در جواب و سؤال
ای ستوده شده نکو کردار
باز پرسند از تو این حقدار

چون چنین بدُ خطاب با عمری

چه رود روز حشر با دگری

حدیقه سنایی غزنوی

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
مخفف امیر	میر
سخت	صعب
توصیف و ستایش شده	ستوده
روز قیامت	حشر
سخن رو به رو	خطاب
اندازه	مقدار
کامیاب	پیروز
خداوند ﷻ	ایزد
بخشش	عفو

پرسش و سپارش :

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما چگونه خواب دیده بود و حضرت عمر رضی الله عنهما در جواب چه فرمود؟ هر شاگرد به نوبه خویش موضوع را به همصنفان خود تشریح کند.

چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم

پروین در کنار پنجره در مقابل باغ بزرگی نشسته بود. او هر چند لحظه یک بار سرش را بلند میکرد و از روی کنجکاو و دقت به باغ نگاه میکرد، آن وقت یادش آمد که معلم از شاگردان خواسته بود که در باره منظره یک باغ چیزی بنویسند.

پروین کوشش میکرد درختان را با شاخه‌ها و برگهای آن و گنجشکانی را که در لابه‌لای درختان می‌بیند، همه را در نوشته خود جا بدهد.

پروین پس از اینکه نوشته اش را تمام کرد، آن را چند بار به دقت خواند، بعضی از جمله‌ها را پس و پیش کرد؛ بعضی دیگر را از نو نوشت و در آخر نوشته خود را پاکنویس نمود.

وقتی که پروین انشای خود را در صنف خواند، همه پسندیدند و از شنیدن آن لذت بردند. معلم او را تحسین کرد و به شاگردان خود گفت: پروین باغ را بسیار زیبا و دقیق توصیف کرده است. کسی میتواند بنویسد که کنجکاو باشد؛ گوش شنوا و چشم بینا داشته باشد؛ هر چیز را به دقت ببیند؛ هر آنچه را میخواند، می‌بیند و یا می‌شنود، به صورت تصویری در نوشته خود جا بدهد.

لغت

معنی

تحسین کرد	تعریف کرد، آفرین گفت
توصیف کردن	وصف کردن، صفت کردن
شنا	شنونده
کنجکاوی	بررسی و جستجوی دقیق

پرسش ها :

- ۱- معلم به شاگردان چه گفته بود؟
- ۲- پروین انشای خود را چگونه نوشت؟
- ۳- چرا چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم؟

کارخانه گی:

استاد محترم به شاگردان وظیفه دهد تا هر کدام منظره حویلی و یا باغچه خود را در ده سطر تعریف کنند.

نصیحت

سقراط گفت: هیچ گنجی به ز دانش نیست. هیچ دشمنی بدتر از خوی بد نیست. هیچ عزت بزرگوارتر از دانش نیست و هیچ پیرایهٔ بهتر از شرم نیست.

پس چنان کن، ای پسر که راه دانش آموختن را بیابی و در هر حالی که باشی، چنان باش که یک ساعت از تو درنگدرد تا دانش نیاموزی؛ چنانچه گفته اند: دانش از نادان بیاید آموخت، از آنکه هر گاهی که به چشم دل در نادان نگری و بصارت عقل بر وی گماری، آنچه ترا از وی ناپسندیده آید، دانی که نباید کرد؛ چنانچه سکندر گفته است: نه من منفعت از دوستان یابم؛ بلکه از دشمنان نیز یابم. اگر در من فعل زشت بود، دوستان به موجب شفقت بیوشانند تا من ندانم و دشمن به موجب دشمنی بگوید تا مرا معلوم شود و آن فعل بد از خویشتن دور کنم. پس آن منفعت از دشمن یافته باشم، نه از دوست.

تو نیز آن دانش از نادان آموخته باشی، نه از دانا. بر مردم واجب است چه بر بزرگان و چه بر فروتران، هنر و فرهنگ آموختن. فزونی بر همه همسران خویش به فضل و هنر توان کرد و مردمان نیز ترا فزونتر دانند، به فضل و هنر تو. چون مرد عاقل بیند که وی را فزونی نهداند بر همسران او به فضل و هنر جهد کند تا فاضلتر و هنرمندتر شود.

قابوسنامه

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
زیور، زینت	پیرایه
بینایی و دانایی	بصارت
فایده	منفعت
کوشش	جهد
دانا	فاضل

مطالعه

خواندن دقیق کتب و آثار چاپ شده و خطی برای حصول بینش و دانش ضرور است. این آثار شامل کتابهای درسی و غیردرسی، مجله‌ها، اخبار، جراید، متون قلمی و امثال آن میباشد.

مطالعه، تاریکی‌های جهل و نادانی را از انسان دور میسازد؛ انسان را از موضوعات و مفاهیم مختلف و ارزنده باخبر میسازد؛ به انسان آگاهی میبخشد تا صاحب فهم و دانش گردد.

مطالعه، خوبیها را به انسان می‌شناساند. از برکت مطالعه انسان بینا و دانا میگردد و صاحب کمال میشود.

مطالعه، قوت و نیروی دماغی انسان را انکشاف میدهد. به کمک مطالعه انسان قادر میشود تا خوب و بد را از هم فرق کند. مطالعه به انسان قوت میبخشد تا همیشه کار کند؛ زحمت بکشد و در بهتر ساختن امور دنیا و آخرت بکوشد. مطالعه انسان را به مسؤولیتهای زنده‌گی آگاه میسازد و به انسان درس میدهد که چگونه رفع مسؤولیت کند تا بداند که مسؤولیت چیست و مسؤول کیست؛ انسانها به کدام راه بروند و احتیاجات خود و دیگران را چطور رفع نمایند.

مطالعه انسان را خدانشناس میسازد و ارتباطش را با خالق حقیقی اش قایم میکند. به کمک مطالعه انسان این توانایی را مییابد که خداوند ﷻ را بشناسد: شریعت اسلام را بفهمد و مطابق آن عمل نماید.

چون دانستیم که مطالعه دارای خوبیها و مزایای زیاد است، پس شما به حیث شاگردان مکتب همیشه در هر جا و هر وقت عادت مطالعه را در خویش رشد دهید. کوشش کنید تا کتابهای خوب و مفید را - که در

- دنیا و آخرت به درد شما بخورد - بیابید و آن را مطالعه کنید و رهنمود های آن را سرمشق زنده‌گی خود سازید.
- در مطالعه، نکات آتی را رعایت کنید:
- ۱- هر متن را به دقت مطالعه کنید.
 - ۲- بکشید تا معنی و مفهوم مطالب خوانده شده را بدانید.
 - ۳- مطالب عمده را یادداشت کنید.
 - ۴- معنای لغات را به کمک لغتنامه‌ها دریابید و آنها را بیاموزید.
 - ۵- کوشش کنید تا مطلب خوانده شده را به دیگران انتقال داده بتوانید.
 - ۶- بعد از ختم مطالعه، از خود سؤالاتی کنید و به هر سؤال مطابق به معلومات حاصله جواب دهید.
 - ۷- از نوشتن در کتب و آثاری که مال شما نیست، جداً بپرهیزید.

دستور زبان دری

دستور علم درست گفتن و درست نوشتن زبان را گویند. دستور زبان عبارت از مطالعه شعوری زبان و شرح نظام ساختمانی زبان به طور آگاهانه میباشد. کلمات زبان دری مرکب از حروف هجا اند. برای این که حروف هجا را نیز بشناسیم لازم است تا تعداد آنرا که سی و چهار حرف است، در این جا ذکر نماییم:

آ ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق
ک گ ل م ن و ه ی.

از جمله حروف فوق چار حرف آن (چ پ گ ژ) در عربی استعمال نمیشود؛ ولی هشت حرف آن (ث ح ذ ص ض ط ظ ع) در زبان عربی بیشتر معمول است. متباقی آن میان اکثر زبانها مشترک میباشد.

اسم: کلمه ایست که نام شخص، جای یا نام چیزی باشد: مثلاً: انسان، افغانستان، قلم وغیره.

اسم به دو قسم است: اسم عام و اسم خاص.

اسم عام: آن است که تمام اشخاص یا اشیای همجنس را شامل باشد؛ مثلاً: مسجد، انسان، نبات؛ زیرا که مسجد شامل تمام مساجد و انسان شامل تمام انسانها میگردد و همچنین نبات شامل همه نباتات میشود.

اسم خاص: آن است که بر یک شخص یا یک چیز معین دلالت کند؛ مثلاً: حمید، کابل و غیره؛ زیرا که حمید به یک شخص معین و کابل به یک شهر معین دلالت میکند.

مفرد و جمع

مفرد: آن است که بر یک فرد و یا یک شی دلالت کند؛ مثلاً: کتاب، کاغذ، مرد، زن و غیره.

جمع: آن است که به چند فرد و یا اشیا دلالت کند؛ مثلاً: مردان، زنان، کتابها و غیره.

اسم بسیط و مرکب

اسم بسیط: آن است که یک کلمه باشد؛ مثلاً: درخت، دشت و گل.
اسم مرکب: آن است که از دو کلمه یا بیشتر ساخته شده باشد؛ مثلاً: باغبان، ریگستان، گلستان، کارخانه و غیره.

صفت

کلمه ایست که حالت و چگونگی اسم را بیان نماید؛ مثلاً: اگر بگوییم پسر خوب، در این جا خوب صفت است و پسر اسم است.

فعل: کلمه ایست که به انجام کاری در یکی از زمانه های سه گانه گذشته، حال و آینده دلالت کند؛ مثلاً: رفتم، میروم، خواهم رفت.

ضمیر: کلمه ایست که جای اسم را بگیرد؛ مثلاً: اگر بگوییم محمود را دیدم. به (او) گفتم، (او) در اینجا ضمیر است و جای اسم را گرفته است که عبارت از (محمود) است.

ضمیر دو قسم است:

۱- ضمیر متصل

۲- ضمیر منفصل

۱- ضمیر متصل هیچوقت تنها ذکر نمیشود بلکه در آخر افعال چسپیده مییاشد.

مثل:

(م) گرفتم	(یم) گرفتیم
(ی) گرفتی	(ید) گرفتید
(ت) گرفت	(ند) گرفتند

در مثالهای بالا (م، یم، ی، ید، ت، ند) ضمائر متصل اند.

۲- ضمیر منفصل به طور جداگانه در جمله ها ذکر میشود مثل:

<u>مفرد</u>	<u>جمع</u>
-------------	------------

من دیدم	ما دیدیم
---------	----------

تو دیدی	شما دیدید
---------	-----------

او دید	آنها دیدند
--------	------------

در مثالهای بالا (من، ما، تو، شما و آنها) ضمائر منفصل اند.

عدالت حضرت عمر رضی اللہ عنہ

گدایی شنیدم که در تنگ جای
نهادش عمر پای بر پشت پای
ندانست درویش بیچاره کوست
که رنجیده دشمن نداند ز دوست
بر آشفته بر وی که کوری مگر
بدو گفت سالار عادل عمر
نه کورم؛ و لیکن خطا رفت کار
ندانستم از من گنه، درگذار
چه منصف بزرگان دین بوده اند
که با زیر دستان چنین بوده اند
تواضع کند هوشمند گزین
نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین
اگر می بترسی ز روز شمار
از آن کز تو ترسد، خطا درگذار

بوستان سعدی

کشف میکروب

سالها پیش هیچکس میکروب را نمیشناخت. لویی پاستور دانشمند فرانسوی که به خدمت خلق علاقه زیاد داشت، شب و روز کتابها را مطالعه نمود و از اثر تلاشهای خسته‌گی ناپذیر بالاخره میکروب را شناخت و کشف کرد. بعضی از میکروبه‌ها سبب بروز بیماریها میشوند و این بیماریها از یکی به دیگری سرایت میکند.

پاستور عملیه پاستوریزه (درست نگاه کردن یک چیز برای این که گندیده نشود) را به دست آورد. وقتی یک بیماری خطرناک به نام سیاه زخم سراسر روستاهای فرانسه را فراگرفت، هزارها گوسفند و گاو را تلف کرد. پاستور به این فکر شد تا کاری بکند که جلو این بیماری را بگیرد. به اثر کوشش او میکروب شناخته شد.

پرسشها :

- ۱- میکروب را کدام شخص کشف نمود؟
- ۲- عملیه پاستوریزه چیست؟

حکایت

روزی صیادی به قصد شکار از خانه بیرون رفت. دام نهاد و آهوئی را صید کرد. بیچاره آهو از ترس می‌لرزید و به هر طرف نگاه میکرد، تا چشمش به موشی افتاد که از سوراخ خود بیرون آمده بود و او را تماشا میکرد. آهو، موش را صدا کرده، گفت: اگر چه میان ما سابقه دوستی نیست و لیکن امیدوارم که خواهش مرا بپذیری و مرا از این دام نجات بدهی. اگر خلاص شوم تا آخر عمر ممنون تو خواهم بود.

موش مودی و خودخواه گفت: سری را که درد نمیکند، دستمال نمی‌بندند، من جرئت این کار را ندارم؛ زیرا که اگر صیاد بداند که من ترا نجات داده‌ام، خانه‌ام را خراب خواهد کرد. موش این سخنان را به آهو گفت و رفت؛ ولی دو سه قدم پیش نرفته بود که عقابی او را صید کرد و برد.

صیاد به سراغ دام آمد، چون چشمش به آهوئی زیبا افتاد، دلش به رحم آمد و از کشتنش چشم پوشیده، آهو را به دوش گرفت تا به بازار برده، بفروشد در راه مردی پیش آمد و گفت: حیف است که چنین آهوئی بی‌گناه و زیبایی اسیر باشد. پس آهو را از صیاد خرید و آزاد کرد.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
شکارچی	صیاد
گذاشت	نهاد
اذیت کننده	موذی
شکار	صید

پرسشها :

- ۱- آهو به موش چی گفت؟
- ۲- وقتی که صیاد به سراغ دام آمد، چی کرد؟
- ۳- فرق بین گفتار و رفتار موش و شخص رهگذر چیست؟

سپارش:

شاگردان نتیجه این حکایت را به زبان خود بیان نمایند.

کارخانه گی:

شاگردان در مورد نیکو کاری و فایده آن ده سطر بنویسند.

زنبور عسل میگوید

من حشرهٔ پرکاری هستم. اسم من زنبور عسل است. هر روز صبح زود از خانه بیرون می آیم و به کوه و دشت میروم. هدف من از این سفرها تهیه کردن عسل است. از گردش در گلزارها و علفزارها لذت میبرم. به گلهای خوشبو و شگوفه های معطر علاقه دارم. اما علفها و گلهای بدبو را خوش ندارم. وقتی به گلهای خوشبو میروم، روی آنها مینشینم و شهد آنها را می مکم. در هنگام مکیدن شهد گلهای، هیچ آسیبی به آنها نمی‌رسانم؛ بلکه برای آنها مفید هم هستم. من برای گلهای عمل کرده افشانی را نیز انجام میدهم؛ یعنی دانه های کرده را از گلی به گل دیگری میبرم. از شهد گلهای، عسل شیرین و سودمند و موم درست میکنم.

حتماً خانه های شش گوشه‌یی را دیده اید. این خانه ها را از موم میسازم و همهٔ آنها را به یک اندازه درست میکنم. خانه های ما را (کندو) میگویند.

هنگام بازگشت هیچوقت راه کندوی خود را گم نمیکنم. وقتی برگشتم، نشانی گلهای را به زنبورهای دیگر میدهم. آنها هم یاد میگیرند و به همان جاها میروند. ما زنبورهای عسل، دوست نداریم، مزاحم کسی باشیم؛ اما اگر کسی مزاحم ما شد، به او نیش میزنیم و از خود دفاع میکنیم. کندو و یا خانهٔ که من در آن زنده گی میکنم در حقیقت یک شهر است. در این شهر کارها بین ما تقسیم شده است. همهٔ ما با دقت به وظیفهٔ خود عمل میکنیم. در این شهر دو چیز خیلی مهم است:

یکی نظم در کارها و دیگری نظافت و پاکی محل زیست و رهایش ما. ما زنبورهای عسل به صورت دسته جمعی زنده گی میکنیم و با همدیگر مهربان و صمیمی هستیم. در برابر دشمن متحد میشویم و از خود دفاع

میکنیم، ما یکی از نعمتهای خداوند ﷺ هستیم؛ چنانچه قرآنکریم نیز در یکی از سوره ها از ما سخن گفته و ما را معرفی نموده است.

معنی

لغت

مقصد	هدف
سودمند، فایده‌مند	مفید
جای پر گل	گلزار
دیگر	سایر
جای پر علف	علفزار
به زحمت ساختن	مزاحم
ضرر	آسیب
پاکی	نظافت
خوشبو	معطر
یکجا	متحد
آدرس	نشانی

پرسشها:

- ۱- هدف زنبور عسل از سفر به کوهها و دشتهای چیست؟
- ۲- زنبور عسل برای گلها و گیاهان چی فایده دارد؟
- ۳- زنبورهای عسل چگونه زنده گی میکنند؟

سپارشها:

این جمله ها را تکمیل نمایید و سپس آنها را در کتابچه هایتان بنویسید:

- ۱- زنبور عسل از گردش در لذت میبرد.
- ۲- از عسل شیرین و سودمند درست میکنم.

لطیفه

روزی یک نفر تخم مرغ را در مشت خود پنهان کرد و به دوستش گفت: اگر گفתי که در دستم چیست، آن را به تو میدهم که خاکینه پخته کرده بخوری.

دوستش گفت: کمی نشانی آن را بگو؟

آن نفر گفت: نشانی آن این است که گرداگردش سفید و داخل آن زرد رنگ است.

دوستش گفت: حالا فهمیدم این شلغمی است که درون آن خالی شده و در آن زردک کاشته اند.

پرسشها:

- ۱- آیا در منطقه شما زردک و شلغم کشت میشود؟
- ۲- کدام نباتها در منطقه شما کشت میشود؟
- ۳- کاشتن نباتها چه فایده دارد؟
- ۴- خاکینه چه نوع خوراک است و از چه ساخته میشود؟

وجیزه ها (گفته های سودمند)

- ۱- خود شناسی، خدا شناسی است.
- ۲- صلح، آب حیات است.
- ۳- تحمل و بردباری بر شخصیت انسان میافزاید.
- ۴- ثبات و پایداری راه پیروزی است.
- ۵- بدون صلح پیشرفتهای مادی و معنوی هیچگاه میسر شده نمیتواند.
- ۶- صبر تلخ است؛ لیکن بر شیرین دارد.
- ۷- ملتی که بیرقش با نیروی آزادی به اهتزاز درآید، هرگز از بین نمیرود.

سپارش :

استاد محترم: از شاگردان بپرسید تا از این گونه وجیزه ها اگر به یاد داشته باشند، بگویند.

صلح و تفاهم

صلح مایه خوشبختی مردم و آبادی هر کشوری است. انسان در جامعه بیشتر از همه به صلح نیازمند است. همین صلح است که در سایه آرامش آن میتوان به تمام شئون زنده گی خویش رسیده گی کامل نمود؛ حیات مادی و معنوی خود، جامعه و کشور خود را ترقی و انکشاف داد و در فضای صلح و تفاهم میتوان تمام عبادات دینی و امور حیاتی خود را به صورت درست انجام داد.

قرآن کریم - که بزرگترین کتاب جهان و کلام برگزیده خداوندیست - صلح را ((خیر)) و ((پیروزی حق بر باطل)) گفته است. صلح در یک جامعه وقتی میسر شده میتواند که مردم آن خواهان آرامش و خیراندیشی بوده، از جنگ - که سبب بربادی حیات انسانها و جامعه انسانیست - متنفر باشند.

در مملکت عزیز ما به فضل خداوند صلح برقرار شده است. شاگردان با خاطر آرام به مکتب میروند؛ به آموختن دروس خود میپردازند و سایر هموطنان ما با اطمینان کامل مشغول اجرای وظایف خود میباشند. مردم ما همیشه صلح را بر جنگ ترجیح میدهند؛ از جنگ نفرت دارند و میخواهند تمام مشکلات را از راه مذاکره و مفاهمه حل نمایند.

پاینده باد، صلح در جهان!

سپارش:

معلم صاحب در مورد صلح برای شاگردان معلومات مفصل دهد.
شاگردان متن بالا را بخوانند و در خانه در کتابچه های خود آن را رونویس کنند.
شاگردان راجع به صلح یک مقاله بنویسند.



۱۶ جوزا ۱۳۸۱
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

آزادی بیان

حضرت بی بی زینب رضی الله عنها از زنان نامدار تاریخ اسلام است. مبارزه و مقاومت ایشان در راه حق و حقیقت شهرت بی نظیری در تاریخ بشریت دارد، حضرت زینب رضی الله عنها بعد از اسارت در کربلا و انتقال یافتن او به شام در حین اسارت در برابر یزید با جرات تمام خطبه بی با این متن ایراد می کند: ((ای پسر ابو سفیان! اگر چه تو امروز کشتار و اسارت مارا غنیمت شمرده ای و به آن می بالی، اما طولی نمی کشد که مجبور می گردی غرامت و تاوان آن را پس بدهی.))

آن روزیست که آنچه از پیش فرستاده ای خواهی یافت. ای یزید! از اینکه زمین و آسمان را بر ما تنگ ساخته ای و ما را همچون اسیران از سوئی به سوی دیگر میبری، گمان داری که ما در نزد خدا خوار و پست شده ایم و تو در پیشگاه او قرب و منزلت یافته ای؟ و با این تصور خام و با نگاه غرور آمیز و شادمانه به اطراف خود می نگری؟ از اینکه دنیایت آباد شده است و امور طبق مراد تو می چرخد، اما از آخرت بی خبری.



۱۶ جوزا ۱۳۸۱
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

آزادی بیان حق شماست. شما می توانید فکر خود را با هر وسیله ای اظهار نمایید.

آزادی بیان از تعرض مصون است.
هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.
(بند اول و دوم ماده سی و چهارم قانون اساسی افغانستان)

هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.
برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.
(بند اول و چهارم ماده بیست و دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر)

ورزش

حمید هر روز به پارک نزدیک خانه‌شان میرود. آنجا یک میدان بزرگ است. او به همراه دوستان و همسالان خود یکجا فوتبال میکند. او بازیهای مختلف ورزشی به ویژه والیبال و فوتبال را دوست دارد. وقتی در میدان بچه‌های بزرگ توپ بازی میکنند، حمید با شوق و ذوق حرکات آنها را میبیند.

حمید به همراه دوستانش هر روز پیش از شروع توپ بازی، میدان توپ بازی را آب پاشی نموده، سنگ و کاغذهای باطله را از میدان به دور می‌اندازد؛ داخل و دورادور میدان را پاک میسازد. او به دوستان خود میگوید: برای اینکه بدن ما سالم باشد و توانمندی فعالیتهای زیاد را پیدا نماییم، باید روزانه به طور منظم هر صبح و عصر ورزش کنیم.

ورزش مقاومت وجود را در مقابل امراض بلند میبرد؛ انسان را از مبتلا شدن به اعمال ناشایسته و به خصوص مصاب شدن به مواد مخدر نجات میدهد.

سپارش:

- ۱- شاگردان در باره این که: ورزش مقاومت وجود را در مقابل امراض بلند میبرد، مباحثه نمایند.
- ۲- شاگردان در مورد ورزش به صورت شفاهی و تحریری حرف‌هایی بگویند و بنویسند.

زن و عصر حاضر

عصر جدید نه تنها از لحاظ علوم و اختراعات برگزیده برتری دارد؛ بلکه آغاز یک فصل جدید و شروع یک زنده‌گی نوین برای قشر زن است. همین موضوع از مختصات بارز دو قرن اخیر به شمار می‌رود.

امروز تعداد زنانی که از فرصت استفاده کرده، قریحه و استعداد خود را در حل معضلات زنده‌گی به کار انداخته، در راه انجام وظایف خود از هیچ‌گونه سعی و تلاش دریغ ننموده‌اند، به میلیونها نفر می‌رسد.

زن امروز از استقلال روحی و فکری برخوردار است و در کشاکش زنده‌گی به خویشتن اتکاء دارد؛ دشواریهای حیات را به سرپنجه لیاقت می‌گشاید و از فیض وجود خویش جامعه را بهره‌مند می‌سازد.

زنان قرن ۲۰ و قرن حاضر ۲۱ ثابت کرده‌اند که سهم‌گیری آنان در امور عمومی و شرکت‌شان با مردان در مسایل اجتماعی به هیچ‌وجه منافی مقام طبیعی آنان نمی‌تواند باشد؛ بلکه دخالت و شرکت‌شان دورنمای زنده‌گی آنان را امیدبخش و زیباتر از گذشته می‌سازد.

تروریزم

ترور در لغت به معنای ایجاد ترس، بیم، هراس، خوف و وحشت میان مردم است.

تروریست، عامل ترور، طرفدار وحشت و آدمکشی را گویند. انسانها حیات اجتماعی دارند و دارای حقوق و ارزشهای خاص حیاتی می باشند. هر انسان در جامعه حق زنده گی دارد تا زمانیکه زنده گی او برای جامعه و افراد آن مضر تمام نشود، به حقوق و زنده گانی او باید احترام گردد؛ چنانکه در قرآن شریف آمده است:

کسی که شخص مسلمان را قصداً به قتل برساند، جزای او جهنم است و دائماً در آنجا میماند، پس برای هر انسان لازم است که حقوق دیگران را بشناسد و از قتل نفس دیگران بپرهیزد.

در جامعه کسانی هستند که به حقوق و حیثیت مردم لطمه وارد نموده، سبب بی نظمی، ناآرامی، پراکنده گی و وحشت در میان مردم میگردند. برای تروریستها زنده گی دیگران مفهومی ندارد. آنان برای پول یا عقده های شخصی به عمل زشت ترور و آدمکشی دست میزنند؛ امنیت و آرامی جامعه را مختل ساخته، خانواده ها را پریشان و اشخاص بسیاری را اندوهگین میسازند.

تمرین :

- ۱- از سوی استاد محترم در مورد تروریزم معلومات بیشتر ارائه گردد.
 - ۲- ترور و تروریست را تعریف کنید.
 - ۳- شاگردان این شعر سعدی را حفظ کنند و معنی آن را بدانند.
- بنی آدم اعضای یکدیگراند که در آفرینش، ز یک جوهر اند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

برتری در چیست؟

پیامبر گرامی ما با چند تن از اصحاب در مسجد نشسته بودند و با هم گفتگو میکردند. سلمان فارسی یکی از یاران پیامبر وارد مسجد شد، پیامبر او را با خوشرویی به نزد خود خواندند، این رفتار مهرآمیز پیامبر موجب ناراحتی یکی از اصحاب شد. او گفت: "سلمان از مردم فارس است و ما عرب هستیم. او نباید در جمع ما و بالاتر از ما بنشیند؛ بلکه باید در جایی پایینتر از ما بنشیند."

پیامبر مبارک از سخن این مرد آزرده شده و فرمود:

" لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ أَعْجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدٍ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَىٰ أَحْمَرَ إِلَّا بِاتَّقْوَىٰ "

(نیست برتری عربی را بر عجمی و نه عجمی را بر عربی و نه سرخ را

بر سیاه و نه سیاه را بر سرخ مگر به تقوی و پرهیزگاری)

شاگردان عزیز! براساس این رهنمود ارزشمند، ما مسلمانان خود را

با هم برابر و برادر میدانیم. لهجه و زبان ما را از یکدیگر جدا نمیکند. مکان

زنده گی و نژاد و رنگ موجب جدایی ما نمیشود؛ ما هیچ چیز، جز تقوا را سبب برتری نمیدانیم.

لغت

معنی

برتر	خوبتر، بالاتر
اصحاب	هم‌صحبتان و یاران حضرت محمد ﷺ
موجب	سبب، باعث
خشمگین	قهر
تقوا	پرهیزگاری
فضیلت	برتری
رهنمود	راهنمایی
مکان	جای

پرسشها :

- ۱- دلیل برتری و فضیلت نزد خدا چیست؟
- ۲- از این راهنمایی ارزشمند پیامبر ﷺ چی نتیجه میگیریم؟

سپارشها :

کلمه های ذیل را معنی کرده، در جمله های ساده بنویسید:

تقوا موجب فضیلت

کشتی

کشتی وسیلهٔ اساسی ترانسپورت بحری میباشد. به اساس روایات اسلامی، حضرت نوح علیه السلام اولین شخصی بود که به ساختن یک کشتی بزرگ دست زد.

بعد از نوح علیه السلام انسانها به منظور رفت و آمد در آب و برآوردن احتیاجات خویش به ساختن کشتی های کوچک چوبی دست زدند. بعداً کشتی های بزرگتری ساخته شد که به کمک چند تن از انسانها ذریعهٔ شهرهای چوبی حرکت میکردند.

وقتی ماشین بخار به وجود آمد، در کشتیها هم از آن استفاده گردید. بعدها انجنهایی ساخته شد که به وسیلهٔ نفت کشتی را به حرکت می آوردند. اکنون در جهان به صدها نوع کشتیهای مختلف ساخته میشوند که از کشتی های چوبی یک نفری الی کشتی های بزرگ ده هزار نفری را در بر میگیرد. کشتی هایی هم وجود دارند که دارای میدانهای هوایی بوده، ده ها طیاره بر آن می نشیند. در چنین کشتی ها از هوتل و سینما گرفته تا تمام وسایل ضروری زنده گی موجود است. حمل و نقل اموال بین افغانستان و تاجیکستان از طریق شیرخان بندر که بالای دریای آمو در سرحد شمال کشور واقع است، توسط کشتیها صورت میگیرد.

تلفون

تلفون یک کلمه یونانی است و معنای آن (مکالمه از راه دور) میباشد. تلفون را (گراهام بل) در سال ۱۱۱۶م. اختراع کرد. به واسطهٔ تلفون میتوان از فاصله های دور به صورت مستقیم با هم مکالمه نمود. هر تلفون دارای یک دستگاه گیرنده و یک دستگاه فرستنده است که به وسیلهٔ گیرندهٔ آن انسان میشوند و به واسطه فرستنده آن جواب میگویند.

گیرنده و فرستندهٔ تلفون طوری ساخته شده است که توسط امواج برقی صوت را طوری که هست، انتقال میدهد. در آن زمانهایی که تلفون اختراع نشده بود و یا به این صورت که امروز در دسترس ما قرار دارد، وجود نداشت، مردم مجبور بودند تا پیغام خود را توسط کبوتر نامه‌بر، یا اشخاص از یک جا به جای دیگر بفرستند که مدت درازی را دربر می‌گرفت. در جهان امروزی تلفون‌هایی ساخته شده است که قادر به انتقال صدا از یک قاره به دیگر قاره ها میباشد؛ مانند: موبایل (تلفون همراه)

تمرین :

۱- تلفون را چی کسی اختراع کرد؟

۲- تلفون چی فایده دارد؟

چیستانها

چیستانها را بخوانید و بگویید چیست؟

۱- چهل تاق، چهل متاق، چهل حجره، چهل چراغ چیست؟

انار

۲- قدش به قلم ماند و بویش به صنوبر

شش نان تُنگ دارد و یک کاسه مزعفر

گل نرگس

میوه های تازه را پیش از خوردن

باید خوب شست!

جمشید از کانتین مکتب میوه میخرد و آن را ناشسته میخورد. چون میوه را ناشسته میخورد، در امتحان سالانه مریض شده، از امتحان باز ماند. یک روز با او روبرو شدم و به او گفتم: دوست عزیز، وقتی میخواهی میوه بخوری، باید آن را با آب پاک بشویی و بعد آن را بخوری.

برهر کس لازم است که قبل از خوردن میوه تازه آن را بشوید؛ خصوصاً آن میوه هایی را که دارای پوست ضخیم نمیشوند. همچنین وقتی سبزیهای تازه را صرف میکنیم، باید آن را قبل از صرف کردن در محلول پوتاشیم پرمنگنیت مدت پانزده دقیقه داخل کرده، آن را با آب پاک خوب بشویم و بعداً صرف کنیم. هر گاه پوتاشیم پرمنگنیت میسر نشود، با آب پاک - که قدری نمک طعام در آن حل شده باشد - بشویم و بعد بخوریم.

سپارش:

در مورد شستن میوه های تازه و ترکاریها برای شاگردان معلومات مفصل داده شود.

راستی

روزی به قهستان، جمعی از عیاران نشسته بودند. — مردی از در درآمد سلام کرد و گفت: من رسولم، از نزدیک عیاران مرو. شما را سلام میکنند و میگویند: سه مسأله ما بشنوید. اگر جواب دهید ما راضی شویم به کهتری شما و اگر جواب صواب ندهید، اقرار کنید به مهتری ما. گفتند: بگویید.

گفت: جوانمردی چیست و میان جوانمردی و ناجوانمردی فرق چیست؟ و اگر عیاری به رهگذری نشسته باشد و مردی بر وی بگذرد و زمانی دیگر مردی با شمشیر از پس وی همی آید به قصد کشتن آن مرد و از آن عیار پرسد که فلان کس اندر گذشت؟ او را چی جواب باید داد که اگر گوید، گذشت غمز کرده باشد و اگر گوید نگذشت، دروغ گفته باشد و این هر دو در عیار پیشگی نیست.

عیاران قهستان چون مسأله ها بشنیدند، یک یک بنگریدند. مردی در آن میان بود، نام وی فضل الله همدانی. گفت: من جواب دهم. گفت: بگو، گفت: اول اصل جوانمردی آنست که هر چه گویی، بکنی و میان جوانمردی و ناجوانمردی فرق صبر است و جواب آن عیار این است که از آنجا که نشسته است، یک قدم آنسوتر نشیند و گوید که: من تا اینجا نشسته ام، از اینجا کس نگذشت، تا راست گفته باشد.

قابوسنامه

سپارش: استاد محترم درمورد جوانمردی و عیاری به شاگردان توضیحات مفصل دهد.

کارخانه گی: شاگردان درمورد خوبی های راستی ده سطر بنویسند.

صبر و پایداری

در آغاز اسلام تعداد مسلمانها بسیار کم بود. بیشتر آنها هم تهیدست و نادار بودند. ایشان به خداوند ﷻ و پیغمبر ﷺ ایمان آورده بودند. دین اسلام را قبول و برای حفظ آن میکوشیدند؛ مسلمانهای آن زمان مردمی با هدف، راستکار و فداکار بودند.

بت پرستان مکه افراد تازه مسلمان را مسخره میکردند و به آنها ناسزا گفته، ایشان را شکنجه مینمودند و در بیابانها زیر آفتاب گرم و سوزان نگاهشان میداشتند. بت پرستان ستمگر، با چنین شکنجه های از مسلمانها میخواستند تا دوباره به بت پرستی برگردند و از اسلام دست بردارند؛ اما آن مسلمانهای فداکار و دلاور شکنجه های سخت را با شکیبایی تحمل میکردند، ولی حاضر نمیشدند از ایمان به خداوند و پیروی از حضرت محمد ﷺ دست بردارند.

مسلمانان در این راه از خود شان به حدی صبر و پایداری نشان دادند که بت پرستان لجوج مکه خسته شدند و اظهار ناتوانی نمودند. وقتی پیامبر اسلام از شکنجه های دردناک آنان مطلع میشدند، آنان را دلداری میدادند و به صبر و پایداری تشویق مینمودند. از اثر نیروی ایمان و استقامت آن مسلمانان شجاع بود که دین اسلام نه تنها ضعیف نگردیده بلکه روز به روز قویتر شد.

فداکاران اسلام از زمان پیامبر تاکنون رنجهای دیده اند و شکنجه های کشیده اند و بدین گونه دین اسلام را حفظ کردند تا به ما رسانیدند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نادار، خالی دست	تهیدست
حوصله	صبر
مقصد	هدف
لجباز	لجوج
از خودگذر	فداکار
قوت	نیرو
دشنام، سخنان زشت	ناسزا
پایداری	استقامت
عذاب	شکنجه
ازبین رفتن	نابودی
بردباری	تحمل
زحمت	رنج

پرسشها :

۱- مسلمانانی که به خدا ﷻ و پیغمبر ﷺ ایمان آورده بودند، چی صفاتی داشتند؟

۲- بت پرستان مکه از مسلمانان چی میخواستند؟

سپارش :

کلمه های آتی را معنی و در جمله های ساده استعمال کنید.
پایمردی، ناسزا، استقامت، رنج

ترانه استقلال

قوم افغان قوم صاحب غیرتست لایق و زحمت کش و باهمت است
میدهد سر در ره حفظ وطن قوم ما را جان نثاری عادتست
می کنیم قربان استقلال خود
جان خود، سرهای خود، اموال خود
گشته است این جشن پرشان وطن حاصل از خون شهیدان وطن
کی فراموش وطنداران شود نام نیک شیر مردان وطن
کشته در راه وطن تا گشته اند
سرفراز دین و دنیا گشته اند

مایل

سپارش :

شاگردان ترانه استقلال را حفظ کنند، به آواز بلند بخوانند و در کتابچه های خود بنویسند.

سنگ پشت و عقاب

گویند: سنگپشتی که در ساحل دریاچه آهسته، آهسته راه میرفت. متوجه شد که پرنده های بحری به چالاکی به این طرف و آن طرف میپرند. سنگپشت متأثر شده، به آنها شکایت کنان گفت: من بسیار بد قسمتم که هیچکس به من درس پریدن را نیاموخت.

عقابی آنجا بود. وقتی که شکایت سنگپشت را شنید، نزدیک آمد و گفت: اگر من به تو پرواز را بیاموزم، چی پاداش خواهی داد؟ سنگپشت تعجب کنان گفت: اگر تو به من پریدن را بیاموزی، من تمام ثروت بحیره سرخ را به تو خواهم داد.

طبق این موافقه، عقاب پیش آمد و او را در چنگالهای خود گرفته به هوا بالا برد و بعد او را از آنجا به پایین رها کرد.

سنگپشت بیچاره سخت بر زمین خورد و سنگ او پارچه، پارچه شد. در حالی که نزدیک به مرگ بود، با خود گفت:

من سزای خود را دیدم، چه من که به مشکل روی زمین راه میروم، چرا هوس پریدن را در خیال خود جا دادم.

سپارش:

شاگردان خلاصه مفهوم درس فوق را در کتابچه های خود بنویسند.

گریستن افلاطون از ستایش نادان

گفت اندر پیش افلاطون کسی
کان فلانی مدح میگفتت بسی
در هنر بستود بسیاری ترا
با فلک بنهاد مقصداری ترا
زان سخن بگریست افلاطون به درد
روی آورد از سر دردی به مرد
گفت میگیریم که درد مشکلیست
تا چه کردم کان پسند جاهلیست
هر چه باشد مرد نادان را پسند
مرد دانا را بود آن تخته بند
می‌ندانم تا پسند او چه بود
تا از آن توبه کنم در حال زود
یک ستایش کان ز جاهل آیدم
صد عقوبت دان که حاصل آیدم

سپارش :

خلاصه مفهوم درس فوق را شاگردان بنویسند.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
ستودن و توصیف	ستایش
توصیف	مدح
تعریف و توصیف نمود	بستود
اندازه و قدر	مقدار
حبس و قید	تخته بند
عذاب	عقوبت

مادر

مادر، گرانبهارترین هدیه یی است که خداوند ﷻ برای بشر ارمان کرده است. مادر گرامی ترین موجودیست که زنده گی اش را یکسره وقف بهروزی فرزندان کرده است.

هر گاه دلتنگی و اندوهی به قلب کودکمان راه یابد، فقط آغوش مادر است که میتواند بر همه غمهای آنان خاتمه بخشد. خالق یکتا در کتاب جاودانش در مورد مادر و پدر فرموده است:

(وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِاٰلِآلِہِیۡنِ اِحْسَانًا اِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْکِبَرَ اَحَدٌ هُمْ اَوْ کِلٰہُمْ فَلَا تَقُلْ لَہُمْ اَفٍّ وَّلَا تَنْهَرْ ہُمْ اَوْ قُلْ لَہُمَا قَوْلًا کَرِیْمًا) ایه ۲۳ سوره اسرا جز ۱۵

"پروردگار تو حکم کرده است که بنده گی غیر از او را نباید کرد و به پدر و مادر احسان نما هنگامیکه ایشان برسند در حال پیری، برایشان بانگ مزین و به قدر اف هم به ایشان چیزی مگو و بر ایشان قهر مشو و بگو به ایشان سخن نیک و نرم."

مادر، در همه اعصار و در میان همه نسلها از احترام خاصی برخوردار بوده است .

مادر به فرزندان خود درس اخلاص، ایثار، فداکاری و وطن دوستی داده است. مادر ما را در دامن مهر و محبت خود پرورده، اسباب رفاه و راحت ما را از هر حیث فراهم آورده است. چه بسیار شبها که مادر عزیز ما خواب خوش بر خویش حرام کرده، و به مواظبت و پرستاری ما مشغول گردیده است. در نتیجه زحمت و کوشش وی است که ما میتوانیم به تحصیل علم و ادب نایل گردیم. پس بر ما لازم است تا به مقام مادر و پدر ارج بگذاریم.

مادر

پسر جان قدر مادر دان که دایم
کشد رنج پسر بیچاره مادر
زجان محبوبتر دانش که دارد
ترا محبوبتر بیچاره مادر
برای اینکه شب راحت بخوابی
نخواهد تا سحر بیچاره مادر
به مکتب چون روی، تا بازگردی
بود چشمش به در بیچاره مادر

تمام حاصلش از عمر اینست
که دارد یک پسر بیچاره مادر
آصف مایل

کارخانه گی:

شاگردان درمورد فداکاری های مادر یک مقاله بنویسند که از ده سطر
کم نباشد.

علامت گذاری

علامت گذاری عبارت از به کار بردن یک عده نشانه ها در نوشته به غرض وقفه در آواز و بهتر فهماندن مقصود است. هدف مهم علامت گذاری صراحت و وضاحت است.

در نوشتن، این علامت ها به کار برده میشود:

۱- **نقطه (.)**: در اخیر جمله هایی که سوالیه و ندائیه نباشد، گذاشته

میشود؛ مثلاً: سعی و کوشش انسان را در زنده گی پیروز میگرداند .

۲- **سوالیه (?)**: در اخیر جمله سوالیه استعمال میشود؛ مثلاً: آیا

میدانید در کابل چند مکتب پسرانه و دخترانه ابتدایی وجود دارد؟

۳- **ندائیه (!)**: در موارد ذیل استعمال میگردد؛ مثلاً: خدایا، مارا به راه

راست هدایت کن! برای اظهار تعجب نیز به کار میرود؛ مثلاً: عجب سخنی! آیا

راست میگویی؟ همچنین برای اظهار تأثر با کلمه های آه، آخ، دریغا و حسرتا

استعمال میشود؛ مثلاً: افسوس که هنگام سفر دوستم را ندیده رفتم! برای

اظهار خوشی وحالات ناگهانی نیز به کار برده میشود؛ مثلاً: آه، از دیدن شما

در شهر خود چقدر شادمان شدم! برای تمسخر واستهزاء در آخر جمله یی که

به صورت جدی باشد، (به کار میرود؛ مثلاً: دربارهٔ شخص بی سواد بگویند: او عالمترین مردمان است)

۴- **فاصله یا کامه (،):** برای جدا کردن کلمه ها یا عبارتهایی که از پی

همدیگر بیایند، استعمال میشود؛ مثلاً: محمود، در صحبت کردن، خرج کردن، غذا خوردن و سایر امور زنده‌گی اعتدال را رعایت میکند.

۵- **شارحه یا دو نقطه (:):** در عنوان کنار صفحه به کار برده میشود؛

مثلاً:

خلیفهٔ دوم: حضرت عمر فاروق رضی الله عنه خلیفهٔ دوم مسلمین است...

و یا در نقل قول اشخاص و یا متون استعمال میگردد؛ مثلاً: معلم ما میگفت: همیشه صادق، راستکار و وظیفه شناس باشید.

مآل خیانت

یکی از معاریف بصره گوسفندان داشت و هر روز شبان شیر آن بدوشیدی و خواجه آب بسیار در آن بریختی. شبان گفت: ای خواجه، خیانت مکن که عاقبت خیانت وخیم است. خواجه بدان التفات نکردی. روزی گوسفندان در دامن کوهی بودند. ناگاه در آن کوه باران عظیم آمد و سیل روان شد و جمله گوسفندان را ببرد. شبان به نزدیک خواجه آمد. خواجه گفت: چرا گوسفندان را نیاوردی؟ شبان گفت: آن آبها که با شیر آمیختی، جمله جمع گشت و سیل شد بیآمد و گوسفندان را برد تا عاقلان رامعلوم شود که در خیانت برکت نیست.

داشت شبانی رمه در کوهسار
پیر و جوان گشته از او شیرخوار
شیر که هر گه به سبو ریختی
آب در آن شیر در آمیختی
روزی از آن کوه به صحرای خاک
سیل در آمد، رمه را برد پاک
خواجه چو شد باغم و آزار جفت
کار شناسیش در آن حال گفت:
آن همه آبی که در آن شیر بود
شد همه سیل و رمه را در ربود

معنی

نام شهری در عراق

خطرناک

لغت

بصره:

وخیم:

نتیجۀ بی‌اعتنایی

جمیل به حرفهای مادرش هیچگاه توجه نمیکرد و هر روز بایسکل خود را از خانه میکشید، در کوچه و حتی در بین سرکهای باکانه مشغول بایسکل سواری میشد. یک روز که بایسکل خود را به روی سرک به سرعت میدواند، به اشارهٔ ترافیکی توجه نکرده، میخواست چهارراهی را عبور کند، متوجه موترها نبود، ناگهان آوازی به گوشش رسید و خیلی ترسید. آن وقت متوجه شد که در بین چهارراهیست. با عجله بایسکلش را در همانجا ماند و خود را در پیاده رو - جایی که هیچ خطر نبود - رساند و از آنجا چهارراهی را نگاه کرد تا ببیند چی چیز باعث آن صدا شده است. آنگاه موتری را دید که بر روی سرک توقف کرده و اثر کشیده شدن تایرهای او بر سرک دیده میشود. جمیل دانست که واقعه چگونه بوده است. نشانه‌ها گواهی میداد که موتر به سرعت زیاد حرکت میکرده و ناگهان او را دیده و فوراً پای را روی برک گذاشته تا او را زیر نگیرد و این صدا به وجود آمده است. جمیل خدا را شکر کرد که حادثه به خیر گذشته است. او عهد کرد که دیگر به قواعد ترافیکی بی‌اعتنا نباشد.

سپارش: معلم صاحب به زبان ساده قصهٔ فوق را به شاگردان بیان کند.

زراعت

تمدن به منزله درختیست که زراعت ریشه آن را تشکیل میدهد و صنعتهای گوناگون شاخه و برگ و نیکبختی و آسایش میوه آن میباشد. اگر بخواهیم از درخت تمدن برخوردار باشیم و از میوه سعادت و نیکبختی کام خود را شیرین کنیم، باید به تقویت ریشه این درخت اهتمام ورزیم و در بهبود و پیشرفت کشاورزی قیام و اقدام کنیم. زراعت نه تنها ضامن تهیه ارزاق عمومیت؛ بلکه ترقی و پیشرفت صنعت نیز به کشاورزی بسته‌گی دارد؛ زیرا بیشتر مواد اولیه صنعت به وسیله زراعت فراهم میشود.

خوشبختانه کشور ما سرزمینیست که آب و هوای آن برای بار آوردن هر گونه محصول زراعتی آماده گی دارد.

اگر همت به خرج دهیم و طرق استعمال کود کیمیاوی، آلات و افزار ماشینی را - که دولت به دهقانان زحمتکش کمک میکند - طبق موازین علمی به دهقانان بیاموزانیم، میتوانیم چندین برابر محصول به دست آوریم.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
مانند	منزله	ترقی	تمدن
غمخوری و توجه	اهتمام	برخاستن	قیام
		معیار	موازین
		دهقانی	کشاورزی

پایان سال تعلیمی

معلم رو به شاگردان کرد و گفت: شاگردان عزیز، سال تعلیمی ما رو به اختتام است. شما از این کتاب مطالب مفید و مهمی را آموختید. حال زمان آن فرا رسیده است که از کار و فعالیتهای سال تعلیمی ما نتیجه گیری شود. مقصدم این است که به زودترین فرصت امتحانات سالانه ما آغاز مییابد و ما تجاربی را که تا به حال کسب نموده ایم، نخست مورد آزمایش قرار میدهیم و بعد آنرا قدم به قدم در زنده گی روزمره خود عملی مینماییم .

شما در این سال تعلیمی سعی و کوشش فراوان کردید و چیزهایی هم آموختید. مهم این که آنچه از این کتاب یاد گرفته اید، زمینه آموزش را برای صنفهای بالاتر به قدر کافی مساعد ساخته است. امید است، شما تعلیمات بعدی خود را در روشنی همین معلومات به شکل بهتر و خوبتر به پیش ببرید. فراموش نباید کرد که در ختم سال تعلیمی یک رخصتی طولانی هم پیش رو دارید. بعضی از شاگردان میتوانند با کسب نمرات عالی در امتحان، خود را برای امتحان یک صنف بالاتر نیز آماده سازند . این بهترین وقت است که باید از آن استفاده به عمل آورد، البته تکرار درسهای قبلی، انجام وظایف خانه گی و آماده گی برای سال تعلیمی آینده در این رخصتی حایز اهمیت بسیار زیاد است.

استفاده از کتابخانه ها، مطالعه و جمع آوری اخبار و مجله هایی که در آن مطالب خوب علمی و تربیتی بیشتر باشد، کار خیلی خوب و بجاست که باید بدان ملتفت بود.

برای همه شما شاگردان عزیز کامیابی و سلامتی آرزو میکنم.

تمت بالخیر

و من الله التوفیق



وزارت مبارزه علیه مواد مخدر

جوانان عزیز!

آینده درخشان خود را با دود نشئه تاریک
نسازید.

کوکنار باعث ایجاد و تقویت بی امنیتی،
تروریزم، جرایم، ظلم و اعمال ضد
انسانی میشود.

بیایید دست به دست هم داده و با محو و
نابودی مواد نشئه آورمسئولیت دینی، اخلاقی
و اجتماعی خویش را ادا نمائیم.